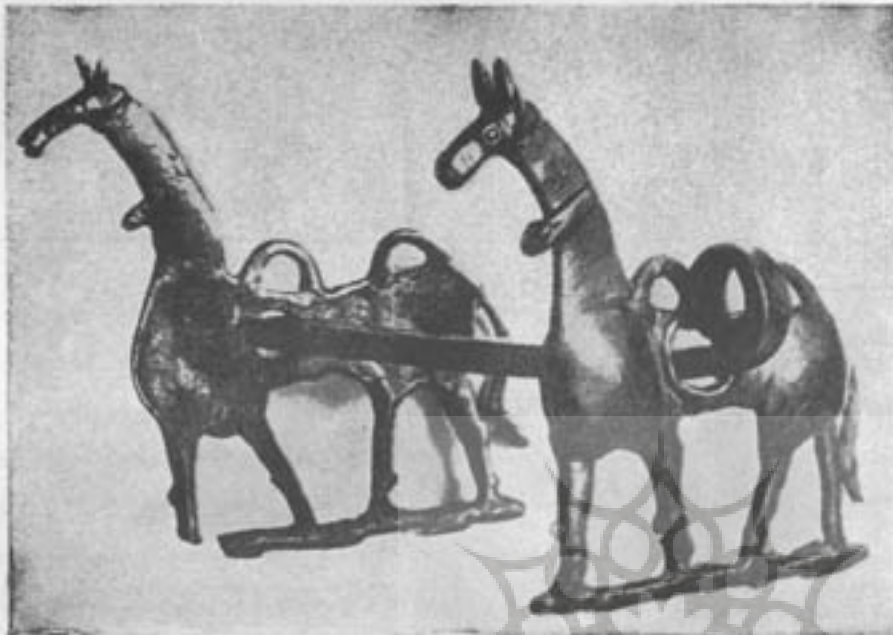


لرستان - پشتگور - پیشگور



نقشه‌ای که از ایران باستان شده به متعلق حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد.

ایران کشور پهناور است که سراسر آن پر از آثار گوناگون و در هر گوشه و کنار آن غشی از دیرینه و گذشته است.

انقلابات گوناگون و تهاجمات مختلف قسمت بیشتری از خاک این سرزمین را زیر و رو کرده شهرهایی را طعمه آتش ساخته پابکی ویران نموده: از این روست که تاریخ منظم چندین هزار ساله این کشور بیاد فنا رفته است.

با این حال چون نظر دقیقی بگذشته این کشور و اصول و فروع تاریخ فراموش شده آن بیفکیم بروی درمی یابیم که جنگ و جدال همیشگی یونان و روم و عرب و ترک و مغول و افغان و غیره لحظه ای فرصت کار و مجال آسایش باین مردمان نداده و آنان را آسوده و فارغ نگذاشته است. هر چند ایران در بیشتر جنگهای خود سرانجام فاتحانه از میدان بیرون آمده و گوی سبقت را از همکشان ربوده است و فی المثل

این کشور لطمه بسیار رسانده و در پایان هر هجوم همه با قسمت بیشتر آنها از میان رفته است، تا آن اندازه که تاریخ معتبر این کشور تا قبل از کوشها و بررسیهای دقیق آثار باستان و اشیاء زیر خاک، فقط چند رساله از یونانیان و آسوریان که آنها هم البته خالی از اغراضی نوشته نشده، میبود و چون نویسندگان این تواریخ همواره منافع کشور خود را در نظر گرفته اند بآنها اعتماد کامل نمیتوان داشت. از اینرو باید گفت که علم آثار باستانی کمک شایانی بعالم تمدن و کشف حقایق نموده و بقول دمرکان بوسیله این علم از راه تخریب ممکن است کاخ تمدن باستان را بعالمیان نشان داد.

سنگ نوشته های فراوان هر يك قسمتی از تاریخ گذشته را روشن ساخته: يك قطعه سنگ، يك دشته برنز، يك بشقاب سفالین، يك لوحه طلا و امثال آن حاکی بخشی از تاریخ سیاسی یا فلسفی یا اجتماعی ایران و نماینده روح ملیت ایرانیان و زنده کننده ادوار باستان این کشور میباشد.

آنها را آتش زده، خانمان سلوکیدها را پس از مدت کمی از میان برده، از یونهای رومی را در هم شکسته و همیشه پس از آنکه مدتی دسته هائی بر ضد دشمنان برانگیخته و سرکشتر اجبائی خود نشانده است.

اما با تمام این کیفیات تهاجمات و حملات پس در پس صنایع و علوم و ادبیات و مخصوصاً کتب

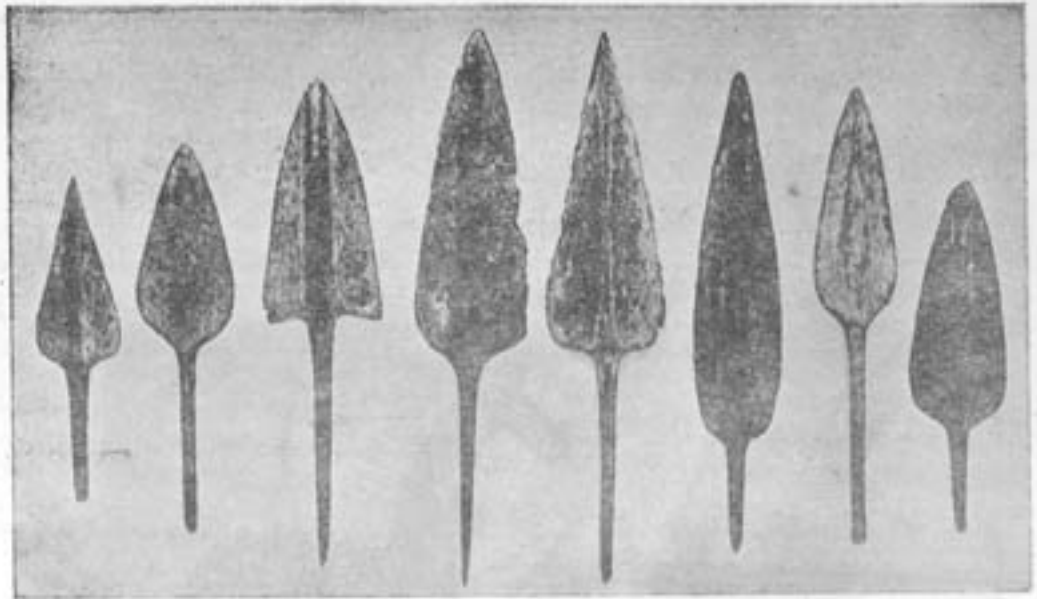


تیر برنزی ساخت حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد.

نوشتن شرحی در پیرامون آن است
میشوم تا بینیم از آنچه در دل زمین یا
بر زیر خاک این بخش مشاهده میشود چه
میتوان دریافت .



لرستان منطقه ایست که از زمانهای
بسیار قدیم مهد تمدن و مرکز آبادی
بوده و رودخانه سیمره اراضی آنرا
آبیاری و حاصلخیز میگردانست، همواره
عمل سکونت اقوامی بوده است که در
اطراف و سواحل رود سیمره گرد آمده
و تمدنی عالی ایجاد کرده اند . علت
گرد آمدن این اقوام در نواحی لرستان
همانا فراوانی آب و حاصلخیزی زمین



پیکانهای فلزی مربوط به ۵۰۰ سال پیش از میلاد .

بوده که نخستین شرط پیدایش تمدنهای اولیه است .

گذشته از تپه‌های ماقبل تاریخ ، قبرهای زیادی در لرستان دیده میشود
که بعضی بتوسط اقوام کاکائوند و در برخی نیز بتوسط هیئت های اروپائی مانند :

دورگان ، کترکتو ، سر اورل استین و دکتر اسمیت کاوش بعمل آمده است .
این تپه‌ها و قبور نشان میدهند که وقتی لرستان مرکز تمدن معتبری بوده
است .

لرستان پشتکوه از پشتکوه بوسیله کیرکوه مجزا میشود . در دامنه
واشگکتهای کیرکوه از پائین سیلا یعنی از پای پل تا هرسین و هیلان آبادی و
مزارع و خصوصاً پلهای نیمه خرابی از عهد ساسانیان مشاهده میشود که نیمی
از آنها ویران شده و نیمی‌های هنوز باقی است بدین ترتیب :

تنگ ویزان دیده - تنگ بهرام چوبیک - تنگ دره شهر - تنگ سیکان - تنگ

باستان شناسی بعالم تمدن و کشف حقایق خدمتانی نموده که علم تاریخ از
انجام آن عاجز بوده است زیرا با تفحص در زمین و کاوش میتوان طرز معیشت ،
آداب و عادات ، رفتار و اخلاق ، زندگی خصوصی ، روابط خانوادگی و
خصوصیات بیک ملت را دریافت . از بدست آوردن یک قطعه سنگ ، چند
پلکان ، یک محسمه یا یک سنگ نوشته میتوان طرز حجاری ، معماری و تزئینات
نقوش و تصاویر و طرز نساجی و غیره را در این کشور کهن سال کشف نمود .
پس از این مختصر متوجه گوشه‌ای از ایران که منظور ما در این مقاله



کلی گهر برنزی مربوط به ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اهمیت لرستان و اشیاء برنزی آن
بیشتر از یادگارهایست که از همین
مردم بجای مانده است.

ما در این مقاله از دو نظر در باره
لرستان گفتگو خواهیم نمود.

۱ - کاسیتهای و اشیاء آنان:

الف - برنز لرستان.

ب - کوزه های سفالین قبل از

تاریخ.

۲ - آثار ساسانیان:

الف - دوتنگ معروف لرستان

(دره شهر و شیروان) و اهمیت تاریخی

آنها.

ب - پلهای ساسانی و وضعیت

ساختن آنها.

۱ - قوم کاسیت و اشیاء برنزی لرستان

اشیاء برنز لرستان اعم از

بسمه و جفته (۱) و کارد و سنجاق و

کاو و سرگز و نیزه و خصوصاً خنجر

و سر نیزه و بنهای کونا کون که

عموماً مغزنی هستند مربوط به تمدن

واحدی میباشد.

تمدن مزبور متعلق با قوم کاسیت

است که تقریباً چهار هزار سال قبل

در کوههای لرستان ظاهر شده و تا دوره

هخامنشیان توسعه یافته است.

با احتمال قوی کاسیتهای ملتی

آریائی بوده و از جانب قفقاز بمعیت

مهاجرین مختلف پیش از هجوم اقوام ماد

و پارس بایران رو آورده و در کوههای

مطالش نزدیک دریای خزر سکنا گزیده اند.

در این محل قوم مزبور بوجود فلزات پی برده و بعدها در اثر فشار

مهاجرین جدیدی بطرف جنوب رانده شده اند و در ضمن حرکت در امتداد

کوه های زاگرس بیلابیها برخورد نموده مجبور بپناز گشت گردیده و در

کوهستانهای کنار کشور شوش اقامت گزیده اند.

در کان در مطالش آذربایجان اشیاء برنزی یافته که حکایت از تمدن

کاسیت و مشابهت آن با برنز لرستان می نماید.

چون خاک حاصلخیز خوزستان بخوبی اداره شده بود و بعبارة اخری

سلاطین مقتدر در آن سلطنت کرده اند نفوذ کاسیتهای در آن مرز و بوم ممکن

۱ - جفته عبارت از دو کاو برنزیست که از وسط توسط میله بهم متصل شده و وسط میله

بر سر مرده بوده است ، در موزه ایران باستان از این جفتهها چند جفت دیده میشود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بت های برنزی که مظهر خداوند گنجه ها و حیوانات بوده اند مربوط به هزار سال قبل از میلاد.
شیروان . از این تنگها دوتنگ دره شهر و شیروان بسیار جالب توجه و درخور
اهمیت است و همچنین در چندین پل مانند پای پل (۱) پل جابدر ، پل کاومیشان
پل کر دختر (ناحیه جنگی سیماق) (۲) .

اغلب مورخین و جغرافیون عرب مانند ابن خرداد به ، ابن فقیه ، ابن
بطوطه طنجی از این آثار اسم برده و بیشتر سیاحان و علمای آثار باستان که
بقصد دیدار ایران آمده اند این یادگارهای گرامی و گرانبهارا بتفصیل دیده اند .
لرستان بیشتر محل نشو و نمای قوم کاسیت بوده که بر شوش هم مدنی
حکومت کرده و با احتمال قوی مردمانی آریائی می باشند .

۱ - این پل را ایوان کرشه و بند داود و هفت گدار نیز خوانده اند .

۲ - این نامیه بین کوهدهشت و اشترودره الی دوازده فرسنگی غرم آباد واقع شده و

اکنون راه لرعی از غرم آباد از کنار همین نامیه یکوهدهشت میرود که پلی هم بر روی

رودخانه کشکان نزدیک پل گردختر ساسانی می سازند .



سجاق پانگه لباس مربوط به حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد



شیرشکاه علوم انسانی و مطالعات
پژوهشی
فصلنامه علمی پژوهشی
شماره ۱۰۰ سال پیش از انقلاب اسلامی

تیر برتری متعلق به حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد. یکتایی که پدید روی کرده مشاهده میشود خط سیر آنرا در موقع زدن تعیین میکند.
نشد و اقوام مزبور ناگزیر بطرف مغرب رو آورده و متوجه بابل که کمتر از شوش نبود گردیدند.
این حوادث در زمان سامسو ایلونایسر حمورابی که از (۲۰۸۰ تا ۲۰۴۳ ق.م) سلطنت میکرد واقع شده است.
قوم مزبور را از جانب بابل نیز به عقب راندند لیکن آنان از مقصود خود دست برنداشته و چون عدم موفقیت خود را نتیجه کمی سلاح خصوصاً نداشتن تیر و گرز میدانستند، لذا برفع این نقیصه کوشیدند چنانکه توپیرهای ایشان اسلحه زیادی (چه در شوش و چه در لرستان) کشف گردیده است.
کاسیت ها در سه قرن بعد از آخرین شکست خود بهتر از بابلیها مسلح

نمونی از بیت های برتری مربوط به حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد

شده موقع مساعدی بدست آوردند و حملة جدیدی بیابان نموده و قدرت را از دست بابلها گرفته سلسله بابل کاسیتی را تشکیل دادند که تا شش قرن (از ۱۷۶۱ تا ۱۱۸۵ ق.م) دوام داشت. کاندش مؤسس این سلسله خود را پادشاه بابل، سومروآکد میخواند.

سی و شش شهریار کاسیت بر بابل حکمروائی نمودند (۱) و در طول این دوره عمده یعنی ۵۷۶ سال کاسیتها با متمدنترین ملل آن عهد (عیلامها، بابلها، مصرها، سامیها، هیتها و دولت جوان آشور) دارای روابط صلح جویانه یا جنگ آمیز شدند.

استرآین این مردمان را با هم مخالفت

(میانها) و مسکن اصلی آنها را حاشیه دریای خزر میدانند که بعدها در زاگرس جای گرفته اند. در مکان بگفته های او انکاری نداشته و حرکت آنها را مقدم بر مادها دانسته است. دولایرت کاسیتها را از زراد آریا تصور میکند.

گوردن شیله تهاجم قوم کاسیت را بر بابل تهاجم يك گروه آریائی دانسته و رئیس آنها نیز شاهزاده آریائی می نامد.

نمی توان گفت تحقیقاً این مردمان چه زبانی داشته اند ولی طبع قوی آنها است که زبان آنان سامی نبوده، زیرا چند کلمه بیشتر از لغات این قوم در دست نیست و مطابق تحقیقات آقای دکتر کتوبر این چند کلمه بلغات اهالی قفقاز و هند آریائی می شناسند نمی باشد (۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی علوم انسانی

نقشی از يك دهنه برنزی متعلق به ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد.

۱ - آخرین آنها الهی نادان امته می باشد که از سال ۱۱۸۷ تا ۱۱۸۰ قبل از میلاد سلطنت کرده است (آقای گلسار - دولایرت).

۲ - این مردم گویا قبل از استقرار کامل در کومعای زاگرس کاسیت موسوم نبوده اند چه آنها را در پانداشتهای عیلامی کوسی، در آشوری کاسی و مورشین امروزی کاسودوس نام میدهند.

نقشی از يك بت برنزی مربوط به حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد.

دهنه اسپ که از برنز ساخته شده



این قوم بدون اینکه مین کوهستانی خویش را ترك یا فراموش کنند با عنصر بومی بابلی مخلوط گردیدند و بر آنجا حکومت نمودند، استفاده از اسب را که قبل از ورود آنها بابلی در این جلگه کسی نمیدانست در آنجا معمول نموده بساکنین آموختند. در مقابل نیز چیزهایی از بر خورد و نمانشان با بابلیها یاد گرفتند. خط بابلی را پذیرفتند و عادات و اخلاقی نیز از بابلیها فرا گرفتند که با خویش بلرستان بردند و امروز از محتویات قبورشان بر ما روشن میگردد.

کاسیتها پس از بازگشت بکوهستانهای موطن اصلی خویش عهده دار موقعیت سیاسی مهمی نبودند لیکن از نظر هم محو نشدند. در نوشتههای آشوری کاسیتها را کاشهو خطاب کرده و از بر خوردی که قدرت سلاطین آشوری بابلیان پیدا مینمودند سخن رانده است و مورخین یونانی غالباً پلین صحرا نشین های رزم آور که بواسطه ارزش جنگجوییشان مشهور بوده اند اشاره مینمایند.

استرابن جغرافی دان معروف از کاسیتها گفتگو کرده و ذکر مینماید که این قوم برای کمک به همسایگانشان جهت مدافعه در مقابل شوشیها و بابلیها ۱۳۰۰۰ نفر انداز باختیار ایشان گذاردند.

اسکندر بزرگ بیهانه اینکه هرگز اطاعتش را نمیکردند با این قوم جنگ کرد.

تمدن کاسیتها تمدن قومی است که از تربیت اسب و زنگنه بدوی بدولت رسیده اند. لرستان کاسیت ابتدا برای ساکنین بین النهرین سفلی که جز الاغ حیوان دیگری سراغ نداشتند تدارک اسب دید و بهمین مناسبت اهالی بین النهرین سفلی با اسب نام خر کوهستانی دادند.

هنگامیکه قافله هایی از لرستان بجانب مصر آمدند و شوشه (بزرگترین) آنچه از اسناد زمان تسلط کاسیتها بر بابل استنباط میگردد (ثروت بدو های مرتفع آن ایالت رو آور شد و این ثروت در موقعیکه آشوریها بوسیله اسبان کاسیت عرابه رانی و سواران متعددی ترتیب دادند افزونی و توسعه پیدا کرد. این آبادانی و ثروت که مفرغهای مزین لرستان بسط آنرا اثبات و تأیید میکند تا دوره پاریسها ادامه داشت.

استرابن متذکر میگردد که در زمان هخامنشیها ۵۰۰۰ مادیان در دره های لرستان میچریدند.

قوم کاسیت هنگامیکه خاک مالش را ترك گفته بجانب عیلام رهسپار گردیدند جز سلاح و اشیاء بسیار ساده چیزی باخود نداشتند. لیکن چون ناچار گاهگاهی اتفاق میافتد که قوای بدوی بر ملتی متقدم سلطه و اقتدار پیدا کنند بدین ترتیب وقتی کوه نشینهای خشن زاگرس بر بابل دست یافته صاحب اختیار آنجا شدند بکمر تبه نه فقط آداب و اخلاق و حتی خط بابلی را اقتباس نمودند بلکه تمام مواد و اجناس و ترکیبات صنعتی مورد استفاده شده و تمدنهایی را که بابلیان از تباط یافته بود نیز اخذ کردند. نژادشان که تا آنوقت منحصر باشکال هندسی بود تبدیل بسبک بین النهرین گردید.

پیروی سبک بین النهرین بقدری کامل شد که صنعت کاران لرستان از آن بیعت مثل این بود که صنعتگران بین النهرین شده اند. با وجود این در اواخر دوره بابلی صنعت کاسیت مهاجرین تازه که از جانب شمال و از طریق قفقاز رو آور شده آهن در دست داشته و دارای صنعت مخصوص بخود بوده اند و از حیث مس نیز فرو تمند بشمار میرفتند در قسمت ماوراء قفقاز سکنی اختیار کردند و کاسیتها روابط تجاری خود را با این قوم هیچ وقت قطع ننمودند؛ در نتیجه در آن دره آثار نوبنی از صنایع ساکنین نواحی شمالی در صنعت لرستان بظهور پیوسته. این نفوذ صنعت بابل چندان مستقیم نبوده و در بدو امر بر روی اشیاء تجملی ظاهر گردید.

هنگامیکه اقوام کاسیت بطور قطع بکوهستانهای خود بازگشت کردند برتری تمدن بابلی بر تمدن کاسیت از بین رفته و اشکال بین النهرین متروک ماند و باقیات قوای ساکنین نواحی شمالی که آن موقع نفوذ یافته بودند تغییر پیدا کرد پس از آن صنعت کاسیت مخصوص باشکال حیوانی شد. اشکال سابق منسوخ و آنچه از بین النهرین اقتباس گردیده بود کمتر اهمیت داده شد و کیفیت مختص بهر حیوانی را آنطوری توانستند مجسم نمایند که دارای حقیقت و معنایی بود. شکل و حتی جنبه مخصوص شکفت آور را حائز گردید.

این موقع است که صنعت کاسیت باوج ترقی رسیده و این ترقی در قرن نهم تا پانزدهم میلاد جریان داشته است: